



تاریخ ترجمه‌های به زبان فرانسه در قرن نوزدهم

طهمورث ساجدی (دانشگاه تهران، پژوهشکده زبان ملل)

Charles Yves D'Hulst; Livien Lombez Christine (dir), *Histoire des traductions en langue française, XIXe siècle*, Lagrasse Editions Verdier, Paris 2012, 1369 p.

تاریخ ترجمه‌ها به زبان فرانسه، قرن نوزدهم (۱۸۱۵-۱۹۱۴) جلد سوم اثری است وزین که در چهار جلد طرح‌ریزی شده و قرار است دستاوردهای ترجمه از زبان‌های گوناگون به زبان فرانسه طی قرن‌های پانزدهم تا بیستم را دربرگیرد. جلد‌های اول و دوم و چهارم، به ترتیب، به قرن‌های پانزدهم و شانزدهم؛ هفدهم و هجدهم؛ و بیستم اختصاص یافته‌اند. در این مجموعه، ترجمه بعضی از آثار مشرق زمین از جمله فارسی به زبان فرانسه نیز معرفی شده‌اند.

تاریخ ترجمه‌ها حاصل اجرای طرحی وسیع در مرکز تحقیقات ادبیات تطبیقی دانشگاه سوربن است که به دستاورد مترجمان فرانسوی محدود نمانده و، براساس زبان مقصد (فرانسه)، آثار مترجمان غیرفرانسوی را نیز شامل است. ترجمه‌ها حوزه‌های گوناگون فکری و ذوقی و فرهنگی - مذهب، حقوق، فلسفه، تاریخ، ادبیات، و جز آن - را دربرمی‌گیرد. زبان‌های مبدأ نیز متعدّدند و غلبه ظاهراً با زبان‌های اروپایی به ویژه انگلیسی و آلمانی است.

اثر کلیدی کتاب‌شناسی ترجمه‌های آثار آلمانی‌زبانان به زبان فرانسه (دو جلد، ۱۹۸۷)^۱، به نوعی، الگوی تاریخ ترجمه‌ها به زبان فرانسه اختیار شده که، در آن، مقولات ذیل شش عنوان زبان‌شناسی نوین، تاریخ هنر، باستان‌شناسی؛ جغرافیا، تاریخ، سکه‌شناسی؛ الهیات، فلسفه، تعلیم و تربیت؛ علوم، ورزش؛ حقوق، علوم سیاسی، علوم نظامی؛ آمار و اقتصاد جای گرفته‌اند. در فرانسه آغاز قرن نوزدهم، هنوز نظریه‌پردازانی هم‌طراز اشلاپر-ماخر^۲ و هومبولت^۳، در عرصه ترجمه، ظهور نکرده بودند. لذا، این سؤال پیش می‌آید که آیا، در آن قرن، ترجمه‌های ماندگار یا اثرگذار پدید آمده‌اند؟

تاریخ ترجمه‌ها با «پیشگفتار» و «مقدمه» ای ذیل عناوین نظریه‌ها، مترجمان، عصر جدید باستانی، ترجمه ادبی، رویکرد کتاب‌سنجی، شعر، تئاتر، نثر روایی، ادبیات کودکان و نوجوانان، مسخ جایگاه مشاهیر ادبی، مؤرخان، علوم و فنون، فیلسوفان، متون حقوقی، سفرنامه‌ها، مذاهب، و بحثی درباره آثار آغاز شده است. در آن، دو فهرست («فهرست اعلام مترجمان فرانسه زبان» و «فهرست شخصیت‌های دیگر») به دست داده شده است.

در مبحث «عصر جدید باستانی» از مقدمه، از آثار شرق‌شناسان گفت‌وگو شده اما عظمت تحقیقات و دستاوردهای آنان به شایستگی شناسانده نشده است. فرانسویان، که در قرن‌های هجدهم و نوزدهم جایگاه شاخصی در شرق‌شناسی احراز کرده بودند و، با دایر شدن کرسی‌های زبان‌ها و ادبیات شرقی در کولژ دو فرانس^۴ و مدرسه زبان‌های زنده شرقی^۵، دستاوردهایی ارزشمند پدید آورده بودند، به قصد تقویت منزلت خود در عرصه ادبیات قرون وسطی و فیلولوژی و زبان‌شناسی نوین، به آلمان سفر کردند و با دست‌پُر به فرانسه بازگشتند. فرانسه، در دوره وزیر دانشمند آموزش عالی، ویکتور دورویی^۶، به این اقدام بسنده نکرد و مصمم شد، به الگوی مراکز تحقیقاتی آلمان، مدرسه مطالعات

1) Liselotte Bihl et Karl Epting, *Bibliographie des traductions françaises d'auteurs de langue allemande, 1487-1944* (2 vol., 1987). 2) Schleiermacher (1768-1834)

3) Humboldt (1769-1859) 4) Collège de France

5) École des Langues orientales vivantes

6) Victor Duruy

عالی^۷ را در سال ۱۸۶۸ تأسیس کند. مع الوصف، فرانسه، پس از سال‌های ۱۸۷۰-۱۸۷۱، بر اثر شکست در جنگ با آلمان و حوادث هولناک پس از آن، دچار ضعف شده بود و نمی‌توانست، در همه زمینه‌های علمی و فرهنگی، با آلمان همگام گردد. مترجمان فرانسه زبان، به پیروی از شارل رولن، نویسنده رساله در باب مطالعات^۸، به ترجمه دوگانه^۹ (لفظی^{۱۰} و ادیبانه^{۱۱}) روی آوردند.

طی قرن نوزدهم، نویسندگان و شاعران بزرگی در فرانسه به ترجمه آثار مهم ادبی زبان‌های انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی، و تا حدی روسی متمایل گشتند. از جمله این مترجمان ادیب بودند: شاتو بریان، ژرار دو نروال، آفره دوموسه، شارل بوذر، مالارمه، شارل نودیه، لوگنت دولیل^{۱۲}؛ لاربو^{۱۳}، که به زعم پل والر^{۱۴}، مترجم برجسته‌ای از زبان انگلیسی به زبان فرانسه بود؛ یا اوگوست دوفوکنپره^{۱۵}، مترجم ماجراهای حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه^{۱۶} که ماهر و پرکار بود؛ همچنین، آمده پیشو^{۱۷}، لئون دو وایی^{۱۸}، و امیل مونتیگو^{۱۹}.

اما علاقه فرانسویان به ادبیات زبان‌های بیگانه، در فضای فرهنگی کلاسیک زبان‌های مهم اروپایی که از آنها یاد شده، محدود بود. در واقع، ادبیات فرانسه در قرن‌های شانزدهم و هفدهم و نوزدهم، به ترتیب، از ادبیات ایتالیا، اسپانیا، انگلیس، و آلمان متأثر بود.

از نویسندگان و شاعران نامداری در فرانسه ترجمه‌های آثار مهم ادبیات انگلیسی و آلمانی به جا مانده است. شاتو بریان، که چند سالی را در انگلستان گذرانده و به ادبیات انگلیسی علاقه وافر پیدا کرده بود، جستار در ادبیات انگلیسی (۱۸۳۶)^{۲۰} را نوشت و

7) École des Hautes Études 8) Charles Rollin, *Traité des études* (1726-1727)

9) double traduction 10) mot à mot 11) correct

12) Chateaubriand; Gérard de Nerval, Alfred de Musset; Charles Baudelaire; Mallarmé; Charles Nodier; Leconte de Lisle 13) Valéry Larbaud 14) Paul Valéry

15) Auguste Defauconpret 16) James Morier 17) Amédée Pichot

18) Léon de Wailly 19) Émile Montegut

20) *Essai sur la littérature anglaise* (1836)

ترجمه‌ای منشور از بهشت گمشده^{۲۱} میلتن^{۲۲} پدید آورد. وی بر آن بود که، برای شناساندن اثر این شاعر انگلیسی، ترجمه مقید به متن (لفظی)^{۲۳} شیوه با کفایت‌تری است. ژرار دو یروال، نویسنده و شاعر مشهور قرن نوزدهم فرانسوی، به گونه^{۲۴} علاقه مفراط یافت و بخش‌هایی از فاوست^{۲۵}، اثر جهان‌پسند او را از زبان آلمانی به زبان فرانسه برگرداند که توجه‌گوته را جلب کرد و درباره آن گفت: «وقتی می‌بینم این ترجمه به زبانی که ولتر استادانه بر آن حکومت می‌کرد هنوز ارزش خود را حفظ کرده، افکار عجیبی به مغزم هجوم می‌آورد». اِکِرمان^{۲۶}، منشی گوته، نظر او را نقل می‌کند که گفته است: «در این تحریر به زبان فرانسه، همه چیز لطافت و طراوت و روح دیگری می‌یابد». وی از این هم فراتر رفته و گفته است: «دیگر نمی‌تواند فاوست را به زبان آلمانی بخواند».

روژه لِسکو، مستشرق فرانسوی قرن بیستم، بوف کور، اثر صادق هدایت، را با استادی تمام در سال ۱۹۵۳ به زبان فرانسه برگرداند.^{۲۷} یکی از دوستان هدایت، که با روژه لِسکو نیز دوستی داشت، این ترجمه را موفق سنجیده و درباره آن گفته است: «انصافاً ترجمه روژه لِسکو در زبان فرانسه برای خودش یک شاهکار است؛ حتی، از بعضی جهات، ترجمه فرانسوی بوف کور از اصل فارسی آن بهتر است. هدایت بدون روژه لِسکو این مقام را در دنیا پیدا نمی‌کرد» (← روی جاده نمناک، ص ۲۹۴). لِسکو از اشعار نیما یوشیج نیز برگردان‌هایی به دست داد.

آثار ویلیام شکسپیر^{۲۸}، در نیمه اول قرن نوزدهم، توجه و علاقه مجدد جامعه ادبی فرانسه را جلب کرد. فرانسویان، هم از اواخر قرن هجدهم، در پرتو ترجمه‌های موفق پی یرلوتورئر^{۲۹}، با آثار این درام‌نویس بزرگ آشنا شده بودند. ژان فرانسوا دوسی^{۳۰} نیز، در راه شناساندن دستاورد سترگ شکسپیر به فرانسویان، سهم بزرگی دارد. ترجمه‌های منظومی به زبان فرانسه در قالب موسوم به اسکندرانی (alexandrin)، دوازده هجایی با قوافی متناوب مذکر-مختوم به صامت-و مؤنث-مختوم به e) نیز از نمایشنامه‌های شکسپیر پدید آمد. اما این ترجمه‌ها عموماً در جامعه ادبی فرانسه آماج انتقاد شدند.

21) *Paradis perdu* 22) John Milton 23) littéral 24) Goethe 25) *Faust*

26) Eckermann

27) Roger Lescot (Sadegh Hâdayat *La Chouette aveugle*, traduite du persane par Roger Lescot, José Corti, Paris 1953) 28) William Shakespeare 29) Pierre Le Tourneur

30) Jean François Ducis

در همین دوره، آفره دووینی^{۳۱}، شاعر نامدار فرانسوی، با همکاری امیل دشان^{۳۲}، رومئو و ژولیت^{۳۳}، درام مشهور شکسپیر را به زبان فرانسه بر می‌گرداند و، همچون استاندال^{۳۴} در راسین و شکسپیر^{۳۵}، به روز بودن آثار نمایشنامه‌نویس بزرگ انگلیسی را در قیاس با آثار راسین نشان می‌دهد. وینی همچنین، در سال‌های ۱۸۲۸ و ۱۸۲۹، از تاجر ویزی^{۳۶} سپس از اُتلو یا مغربی ویزی^{۳۷} ترجمه‌هایی به دست می‌دهد. اما گمدی فرانسه^{۳۸} تنظیم تأثیری فردریک سولیه^{۳۹} را برای آوردن این نمایشنامه به روی صحنه ترجیح می‌دهد. وینی، در ترجمه‌های خود، رویکرد رمانتیک دارد که برای مترجم آزادی عمل بیشتری قابل است. ترجمه‌های او، سوای اُتلو، منشورند. ترجمه منظوم اُتلو آماج انتقاد شدید فیلاِرِت شارل^{۴۰}، از معروف‌ترین انگلیسی‌دانان و منتقدان این عصر که نوعی منشور مترجمان برای خود ساخته و پرداخته بود، می‌شود. وی ترجمه وینی را تفسیری^{۴۱} قلمداد می‌کند که فارغ از امانت و وفاداری به اصل است.

در همین نیمه اول قرن نوزدهم و دوران رمانتیک‌های پرشور و شوق، آثار خلاف عرف و غیر عادی تامس دِکوینسی^{۴۲} (۱۷۹۵-۱۸۵۹) همچون اعترافات یک تریاکی انگلیسی^{۴۳}، که نخست به سال ۱۸۲۱ در مجله لندن منتشر شد؛ درباره جنایت از هنرهای زیبا شمرده شده^{۴۴} (۱۸۲۷)؛ ژان دارک^{۴۵} (۱۸۴۷)، که نویسنده، در آن، محکومیت این روستازاده قهرمان را توجیه می‌کند، توجه جامعه فرهنگی فرانسه را سخت جلب می‌کند و آفره دوموسه تلخیصی از اعترافات او پدید می‌آورد و هکتور برلیوز^{۴۶}، آهنگساز مشهور فرانسوی، بر اساس آن، سمفونی وهم‌آسا^{۴۷} (۱۸۳۰) را می‌سازد و، با آن، اوج موسیقی رمانتیک را رقم می‌زند. پیرو آن، ژرار دو نروال، با الهام گرفتن از تلخیص موسه، رؤیا و زندگی^{۴۸} را می‌سراید.

- | | | |
|--|---|----------------------------------|
| 31) Alfred de Vigny | 32) Émile Deschamps | 33) <i>Roméo et Juliette</i> |
| 34) Stendhal | 35) <i>Racine et Shakespeare</i> | 36) <i>Le Marchand de Venise</i> |
| 37) <i>Othello ou Le Maure de Venise</i> | 38) Comédie Française | |
| 39) Frédéric Soulié | 40) Philarète Charles | 41) traduction paraphrasée |
| 42) Thomas de Quincy | 43) <i>Les Confessions d'un opiomane anglais</i> (1822) | |
| 44) <i>De l'assassinat considéré comme un des beaux arts</i> | 45) <i>Jeanne d'Arc</i> | |
| 46) Hector Berlioz | 47) <i>Symphonie fantastique</i> | 48) <i>Les Rêves et la vie</i> |

در این اوان، آثار ادگار آلن پو^{۴۹}، نویسنده و شاعر امریکائی، که، در جامعه ادبی آن دیار، مقبول نیفتاده بود، توجه نشریات ادواری فرانسه را جلب می‌کند. امیل دُران فُرج^{۵۰}، ترجمه آزادی از یکی از آثار او را در نشریه *Le Commerce* به چاپ می‌رساند و، سپس، به ترجمه قصه‌های او در *Revue de deux mondes* مبادرت می‌ورزد که بنیادگذار آن، فرانسوا بولز^{۵۱}، نویسندگان و مترجمان بزرگی را به همکاری قلمی فرا می‌خواند و صفحات پرشماری از آن مجله را به ادبیات آنگلوساکسون اختصاص می‌دهد. بودلر، در سال ۱۸۴۸، که پو هنوز در قید حیات بود، شهود مغناطیسی^{۵۲} او را، در این فضای فرهنگی، ترجمه می‌کند و، در مقدمه آن، پو را هم‌تراز نویسندگان بزرگ انگلیسی و فرانسوی و آلمانی می‌شناساند. وی اوج احساس و تأثر خود را از خواندن آثار پو چنین وصف می‌کند: «نخستین بار که دفتری از او را گشودم، با هراس و شیفتگی، نه تنها تصوّراتی را که در رؤیاهای خود داشتم بلکه عباراتی را خواندم که در ذهن خود آفریده بودم و او بیست سال پیش از آن نوشته بود». باری، خصایص عاطفی و فکری پو رفته رفته بودلر را مجذوب او می‌سازد. وی، در واقع، خود را در این نویسنده و شاعر امریکائی می‌بیند. از این رو، در صدد ترجمه آثار او به زبان فرانسه برمی‌آید و این در حالی که وی، با انتشار مجموعه‌ای از دوازده داستان کوتاهش به سال ۱۸۵۰ در نیویورک، مردم‌گریز و گوشه‌گیر و دایم‌الخمر و چهره‌ای ناخلف به جامعه امریکا معرفی می‌شود.

بودلر جستار مفصلی درباره پو با عنوان ادگارپو، زندگی و آثارش^{۵۳} می‌نویسد که به سال ۱۸۵۲، در *Revue de Paris* چاپ و منتشر می‌شود. وی همچنین متعاقباً در مقدمه ترجمه داستان‌های خارق‌العاده نو^{۵۴} «یادداشت‌های درباره ادگارپو»^{۵۵} را درج می‌کند. هر دو مقاله ملاحظات نظری و انتقادی درباره آثار پو را دربردارد. بودلر، پس از آن، ترجمه‌هایی از آثار دیگر پو همچون ماجراهای آرتور گُردُن پیم^{۵۶} و داستان‌های عجیب و غریب و جدی^{۵۷}

49) Edgar Allan Poe 50) Émile DAURAND FORQUES 51) François Buloz

52) *La révélation magnétique* 53) Edgar Poe, *Sa vie et Ses œuvres*

54) *Les Nouvelles histoires extraordinaires* (1857) 55) Notes sur Edgar Poe

56) *Les Aventures d'Arthur Gordon Pym* (1858)

57) *Histoires grotesques et sérieuses* (1865)

به دست می‌دهد و، سرانجام، از این نویسنده امریکائی چهره‌ای اروپائی می‌سازد. مالارمه (۱۸۴۲-۱۸۹۸) در شیفتگی نسبت به آثار پو دست کمی از بودلر ندارد. قصه‌ها و داستان‌های کوتاه پو به قلم بودلر و اشعار او به قلم مالارمه به زبان فرانسه برگردانده شد. مالارمه می‌گفت: «زبان انگلیسی را تنها به این هوا آموختم که بتوانم آثار پو را بهتر بخوانم». وی ترجمه‌ای از سروده‌های پو با عنوان اشعار ادگار پو^{۵۸} (۱۸۸۸) منتشر می‌کند ضمن آنکه از آثار دیگر نویسندگان انگلو ساکسون غافل نمی‌ماند.

از شارل نودیه (۱۷۸۰-۱۸۴۴) نیز در ترجمه آثار از زبان انگلیسی به زبان فرانسه یاد شده است. اندیشه‌های شکسپیر^{۵۹} و ترجمه نایب کشیش ویکفیلد^{۶۰}، اثر گلداسمیت^{۶۱} (۱۷۲۸-۱۷۷۴)، نویسنده ایرلندی، از دستاوردهای اوست. او، در مسائل ادبیات مشروع^{۶۲}، از ترجمه‌های «تألیف جلوه داده شده» و «اعلام نشده»^{۶۳} به عنوان «سرقه ادبی به تمام معنی»^{۶۴} و «دزدی مشخص»^{۶۵} سخن گفته است.

لوگنت دولیل (۱۸۱۸-۱۸۹۴)، شاعر فرانسوی و سردسته مکتب پارناسیان^{۶۶}، ترجمه‌های زیبایی از ایلیاد و اودیسه و آثار دیگری از روزگار باستان پدید آورده است. وی، در قرن بیستم، مبتکر برجسته ترجمه آثار کلاسیک شناخته شد. ترجمه‌های مجموعه نمایشنامه‌های ایشیل^{۶۷} و سوفوکل^{۶۸} و اورپید^{۶۹} به قلم او طی سال‌های ۱۸۷۲ و ۱۸۸۴ حادثه نظری در تاریخ ترجمه ادبی تلقی شده است. لوگنت دولیل، در ترجمه، به امانت سخت پابند بود و مترجمان پیشین را، از این جهت که به متن وفادار نمانده‌اند نکوهش می‌کرد.

به مشرق زمین، به ویژه شرق اسلامی، در این ترجمه‌پژوهی قرن نوزدهم، جایگاه درخور آن داده نشده است و این در حالی است که مترجمان آثار شرقی این دوره از بزرگان

58) *Les Poèmes d'Edgar Poe* (1888)

59) *Les Pensées de Shakespeare* (1822)

60) *Le Vicaire de Wakefield* (1833) 61) Olivier Goldsmith

62) *Questions de littérature légale* (1812) 63) Supreptice (non déclaré)

64) Véritable plagiat 65) vol caractérisé 66) Parnassiens

67) Eschyle 68) Sophocle 69) Euripide

شرق‌شناسی فرانسه بوده‌اند. در سال ۱۸۹۱، لیئون دورنی^{۷۰}، ژاپن‌شناس پیشکسوت فرانسوی، ضمن گزارش اجمالی تحولات شرق‌شناسی در فرانسه، برای آن، آینده درخشانی پیش‌بینی کرده و گفته است: «کارهای شرق‌شناسان، که در بُدو امر بر فیلولوژی تطبیقی مبتنی بود، به ضرورت، صرفاً خصلت پژوهش تاریخی (در زمانی) یافت. لازم است که این کارها، در تحوّل تازه، خصلت ادبی و فلسفی گیرد. شرق‌شناسان بزرگ دیگر نه مترجم صرف بلکه مرد فکر و اندیشه خواهند بود». دورنی، که شاهد منازعه دو مکتب تاریخی و ادبی در شرق‌شناسی فرانسه بود، از آرزوی ژول مول^{۷۱} خبر داشت که می‌خواست آن دو مکتب، در کنار هم و به موازات هم پیش بروند. اما دورنی گام بلندی به پیش نهاده و پدید آمدن مکتب فلسفی را پیش‌گویی کرده که در کارهای هانری گربن^{۷۲} تحقق یافته است.

در عرصه شرق‌شناسی قرن نوزدهم فرانسه، ازگارسن دوتاسی^{۷۳} باید یاد کرد که از ادبیات هند به ادبیات فارسی در حوزه عرفان و فلسفه گرایش می‌یابد. وی، در اثر خود با عنوان شعر فلسفی و دینی ایرانیان بر اساس منطق الطیر فریدالدین عطار^{۷۴}، حاوی مقدمه همچنین با اثر دیگری به نام باغ و بهار^{۷۵}، (ترجمه بر اساس نسخه‌ای در قصه ایرانی ماجراهای چهار درویش و شاه آزادبخت^{۷۶}) به حوزه ادبی و عرفانی وارد می‌شود.

در تاریخ ترجمه‌ها، از ترجمه‌های دیگری از آثار تاریخی و ادبی فارسی منجمله از ترجمه اثر رشیدالدین فضل‌الله با عنوان تاریخ مغول در ایران^{۷۷} به قلم ایتین مارک کاترمیر^{۷۸}؛ ترجمه گلستان سعدی^{۷۹} به قلم شارل فرانسوا دوفریری^{۸۰}؛ ترجمه بوستان سعدی^{۸۱} به قلم

70) Léon de Rosny

71) Jules Mohl

72) Henri Corbin

73) Garcin de Tassy

74) *La Poésie philosophique et religieuse chez les persans d'après Le Mantik-ut-tair ou le Langage des oiseaux de Farid-uddin Attar*, Introduction... (1864)

76) *Bag-o-Bahar (Le Jardin et le printemps)*

76) traduction de la Version médiévale du conte persan, *Les Aventures des quatre derviches et du roi Azâd-Bakht* (1878)

77) *Histoire des Mongols de la Perse* (1836)

78) Etienne-Marc QUATREMÈRE

79) *Gulistan ou le parterre de roses* (1858)

80) Charles-François Defrémery

81) *Le Boustân ou Verger* (1880)

شارل باربییه دومینار^{۸۲}، ترجمه رباعیات خیام^{۸۳} به قلم ژان باتیست نیکولا^{۸۴}؛ ترجمه شاهنامه فردوسی^{۸۵} (بسیار مقید به متن) به قلم ژول مول یاد شده است. اما، در این میان، از ترجمه شرایع^{۸۶} محقق حلی و از ترجمه قابوسنامه^{۸۷} اثر کیکاوس بن اسکندر بن قابوس به قلم آمده کیری^{۸۸} سخنی نیست.

از میان سفرنامه‌های ایرانیان، در تاریخ ترجمه، ترجمه مسیر طالبی به قلم میرزا ابوطالب‌خان، معروف به ابوطالب لندنی، ذکر شده است. این سفرنامه، در سال ۱۸۱۰، از زبان فارسی به زبان انگلیسی و، در سال ۱۸۱۱، از زبان انگلیسی به زبان فرانسه ترجمه شد^{۸۹}. در تاریخ ترجمه‌ها، نام مترجم (ظاهراً یانسن^{۹۰}) نیامده است. این کتاب، مجدداً در سال ۱۸۱۹، به قلم شارل مالو^{۹۱}، به زبان فرانسه ترجمه شد.

در سخن از مترجمان علوم و فنون، از فرانتس ویکه^{۹۲} نام برده شده که زمانی در دبیرستان فرانسوی برلن ریاضیات تدریس می‌کرد. وی به ترجمه جبر خیام^{۹۳} مبادرت کرد که در سال ۱۸۵۱ چاپ و منتشر شد.

تاریخ ترجمه‌های به زبان فرانسه در قرن نوزدهم با همه کمبودهای آن اثری است معتبر و، از جهات متعدد، بسیار سودمند که می‌تواند الگویی برای تألیف تاریخ ترجمه آثار از زبان‌های بیگانه به زبان فارسی اختیار شود.

82) Charles Barbier de Meynard

83) *Les Quatrains de Kheyam* (1867)

84) Jean Baptiste Nicolas

85) *Edition et traduction integrale (très littérale) du livre des rois de Ferdowsi* (1838-1878, 7 vols.)

86) *Droit musulman*, Recueils de lois concernant les *musulmans shiites* (1871-1872, 2 vols.)

87) *Le Cabous-Namé ou Livre de conseils de Cabous Orsor el-Mali, souverain du Djordjan et du Guilan* (1886)

88) A. Querry

89) Abu Talib Khan, *Voyages en Asie, en Afrique, et en Europe, pendant les années 1799-1803, écrits par lui-même en persan* (1811)

90) J. C. Jansen

91) Charles Malo

92) Franz Wœpcke

93) *Algèbre de Khayyam* (1851)

منابع

- ابوطالب‌خان، میرزا، مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان، به کوشش حسین خدیوچم، انتشارات جیبی، تهران ۱۳۵۲.
- روی جاده نمناک، درباره صادق هدایت (گردآوری محمد قاسم‌زاده)، چاپ دوم، کاروان، تهران ۱۳۸۷.
- فرهنگ آثار (ترجمۀ *Dictionnaire des œuvres*)، به سرپرستی رضا سیدحسینی، شش جلد، سروش، تهران ۱۳۷۸.
- BARONIAN, Jean Baptiste, *Baudelaire*, Gallimard, Paris 2006.
- Coqez, Gérard, *Gérard de Nerval*, Gallimard, Paris 2010.
- Histoire des traductions en langue Française, XIXe siècle 1815-1915*, sous la direction d'Yves Chevrel, Livien D'Hulst et Christine Lombez, Éditions Verdier, Lagrasse 2012.
- MORIER, James, *Les Aventures de Hadji Baba d'Ispahan*, roman traduit de l'anglais par Elian J. FINBERT, Phébus Libretto, Paris 2000.
- POTOCKI, Jean, *Manuscrit trouvé à Saragosse*, Paris 1995.

